

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1393/11/05



موضوع: تحقیق تکمیلی درباره شروط حکم بول رضیع

شرط ذکوریت

گفته شد که شرط دوم از این شروط عبارت است از ذکوریت. البته در متن آمده است که ذکوریت از شرط است علی الاحوط. در این رابطه ادله ای گفته شد و به خبر سکونی هم استناد شد و در نهایت امر گفته شد که خبر سکونی اشکالاتی دارد که قابل التزام نیست. در نتیجه شرطی که به عنوان ذکوریت گفته شد از دید فقهای محشی های عروه الوثقی دلیل ندارد. اما براساس روایت سکونی و خبر کنز العمال می شود احتیاط مستحبی اعلام کرد که در متن هم همین است.

مراجعه به اصل مستند

اما تحقیق این است که در این مسئله به مستند اصلی مراجعه کنیم. مستند اصلی ما درباره حکم بول رضیع حسنه حسین بن ابی علاء و صحیحه حلبی است. در حسنه حسین بن ابی علاء آمده است «سألت ابا عبد الله عن الصبی یبول علی الثوب قال تصبّ علیہ الماء قليلاً ثم تعصره» [1]. از این متن استفاده می شود که مطلب در مقام بیان است و جایی برای استفصال وجود دارد و ترک استفصال شده است.

اطلاق لفظی و مقامی مانعه الجمع نیست

و گفته بودیم که اطلاق لفظی و اطلاق مقامی مانعه الجمع نیست، اینجا هم اطلاق لفظی داریم و هم اطلاق مقامی. اطلاق مقامی ما این است که «سألت ابا عبد الله عن الصبی» که صبی عنوان بحث و موضوع حکم آمده و هم اطلاق مقامی داریم که مقام جا دارد برای استفصال که گفته شود صبی این است و صبی غیر از این. ترک استفصال شده. اگر یک جایی اطلاق هم لفظی و هم مقامی بود، از استحکام بیشتری برخوردار است. و موید این

مطلب این است که کلمه صبیّ در نصوص و لغت به معنای فرزند ذکور نیست که در برابر صبیّه قرار بگیرد، صبیّ به عنوان طفل صغیر است اعم از ذکور و اناث. لغت نامه ها فیومی در مصباح المنیر می گوید «الصبیّ الطفل الصغیر» اعم از اینکه از ذکور باشد یا از اناث. بنابراین از این متن اطلاق استفاده می شود که حکم بول رضیع اعم از اینکه جاریه باشد یا غلام همان است که گفته شد.

سوال: با اطلاق احوالی هم قابل جمع است؟

جواب: با اطلاق احوالی قابل جمع نیست. چون در اطلاق احوالی موضوع مفرد است، اطلاق لفظی ندارد که اکرم زیداً فی مطلق الاحوال. چون اطلاق لفظی با اطلاق احوالی قابل جمع نیست دو قسم متقابل هستند.

نصوص و مویدات

و مستند دوم صحیح حلی «سألت اباعبدالله علیه السلام عن بول الصبیّ قال تصبّ علیه الماء فان كان قد أكل فاغسله بالماء غسلاً»، دو حکم را بیان کرده، حکم قبل از تغذیه و حکم بعد از تغذیه که بعد از تغذیه صبّ ماء است و بعد از تغذیه غسل متنجس است. در همین حدیث معتبر ادامه اش می فرماید: «و الغلام و الجاریه فی ذلک شرعٌ سوء» [2]، غلام و جاریه. مویدی هم است که همان نبوی کنز العمّال بود که گفته بود «یجزی الصبّ علی بول الغلام و یغسل عن بول الجاریه». مضافاً بر این موید، موید دیگری هم داریم در کتاب فقه الرضا منسوب الی امام الرضا سلام الله علیه روایت درباره بول آمده است که «و ان اصابک بولٌ فی ثوب فاغسله» تا می رسد «و ان كان بول الغلام الرضيع فتصبّ علیه الماء صبّاً و ان كان قد أكل الطعام فاغسله و الغلام و الجاریه سوء» [3]. این از لحاظ نصوص.

ادله و تحلیل علمی و استفاده از کتاب

اما از لحاظ علمی همانطوری که سیدنا الاستاد اشاره فرمودند ردّاً علی مدلول خبر سکونی که تفکیک بین لبن جاریه و لبن غلام خلاف واقع است و یک روزی است که خدای متعال برای فرزندان هر حیوانی می دهد و یک عنایت و نعمت خاصی است و یک آفریده اعجاب انگیزی است و خداوند به لطف خودش می آفرید، فرق بین جاریه و غلام در این تغذیه وجود ندارد. که از آیه قرآن هم می شود به نحوی این مطلب را استفاده کرد، می فرماید: «و ان لکم فی الانعام لعبره نسقیکم مما فی بطونه من بین فرث و دم لبناً خالصاً سائغاً للشاربین» [4]. اشاره به این است که این شیری که خداوند برای مادران حیوانات و برای استفاده آفریده است از غذایی که انسان یا حیوان می خورد، این غذا دو تا مسیر دارد که تشکیل خون و تشکیل فضولات، از دم و روث خدا می فرماید «لبناً خالصاً سائغاً للشاربین» که این سنت الهی است و لا تبدیل لخلق الله. و فرقی در این جنبه حیوانیت انسان با حیوانات دیگر از این جهت فرق نمی کند، دندان حیوان هم دندان است و دندان انسان هم دندان است. فرقی در این قسمت نیست تا بگوییم روث و فضولات انسان هم همان بول و روث است.

کلام علامه حلی

علامه حلی هم در کتاب تذکره الفقهاء می فرماید: بول رضیع حکمش همان است یعنی تطهیر مره واحده به اجماع علماء[5].

دو توجیه و تحقیق آن

و در این رابطه اشکالی باقی نماند مگر دو تا توجیهی که از سوی سید الحکیم و سیدنا الاستاد آمده است که تعرض بکنیم. توجیه اول این است که سید الحکیم می فرماید: ذیل صحیحه حلبی که آمده است «الغلام و الجاریه شرعاً سواء» معنایش این است که «فی ذلک» یعنی فی غسل، چون ضمیر ذلک ممکن است غسل باشد و ممکن است صبّ باشد. هم در متن صبّ ذکر شده و هم غسل، بعد می فرماید: «فان کان قد أکل فاغسله بالماء»، ممکن است این «ذلک» که آمده است که «و الغلام و الجاریه فی ذلک» اشاره باشد به صبّ که اثبات بشود بول غلام و جاریه در حکم فرق نمی کند. و ممکن است این ضمیر مربوط باشد به غسل که «فاغسله بالماء» جاریه باشد و غلام، دیگر در این صورت شمول حکم به دست نمی آید که حکم بول صبّ شامل بول غلام و جاریه بود چون در غسل آمده و آن هم غسل بعد از تغذیه که بیان بفرماید که اگر تغذیه صورت گرفت تغسیل باید بشود مثل بول بالغ بشود و در این رابطه بین رضیع مذکر و رضیع مونث فرقی نیست. این مطلب را سید الحکیم فرموده اند[6]. اما سیدنا الاستاد هم تقریباً همین فرمایش سید الحکیم را می فرماید: روایت اجمال دارد، چون ضمیر دو تا مرجع احتمالی دارد، در صورتی که دو مرجع باشد، دو احتمال وجود داشت روایت از ظهور می افتد و در قالب اجمال قرار می گیرد. پس از که روایت اجمال پیدا کرد، قابل استناد نیست. بنابراین این ذیل صحیحه مشکلی ایجاد نمی کند[7].

فرقی نیست در بول رضیع بین جاریه و غلام

اما تحقیق این است که اولاً در این صحیح آمده است «و فی ذلک» و ثانیاً در فقه رضوی آمده است درباره صبّ و ثالثاً در کنز العمال تصریح شده است که بول الغلام نیاز به صبّ دارد. با همه این مطالب نتیجه این می شود و آنچه از متن و ذیل صحیح به دست می آید این است که بین جاریه و غلام فرقی وجود ندارد. که هم فقه الرضوی تأیید کرد و هم ذیل صحیح. البته چون کنز العمال اعتبار ندارد، اعتباری ندارد اما فقه رضوی و ذیل صحیح حلبی و اطلاق حسنه ابی علاء. در تحقیقی که ملا حظه کنید به خوبی درک می کنید که موضوع حکم بول صبّ است قبل از تغذیه. درباره آن محور حکم بیان می شود و خصوصیات آن محور را بیان می کند، فی ذلک یعنی در مسئله صبّ جاریه و غلام مساوی است. بنابراین اگر ما بگوییم اجمال دارد، باید بگوییم که از ظاهر دست برداریم. اولاً خود صحیح حلبی ظهور دارد، چون محور بول صبی است و احکام و بیان خصوصیات مربوط می شود به موضوع محوری و ثانیاً به روایت فقه رضوی هم تأیید شد. لذا اصلاً اجمالی نیست و دلالت کامل است، لغت هم پشتیبان است. بنابراین رضیع دخترچه باشد یا پسرچه علماًً فقهاً عرفاً فرقی ندارد در ارتضاع و در بول رضیع. اما احتیاط مستحب که ذکوریت است، چون احتیاط در اینجا مطابق با احتیاط در شرع است، یعنی اگر احتیاط کنیم بگوییم ذکوریت شرط است مطابق احتیاط شرع می شود یعنی بول رضیعی که جاریه باشد تغسیل کنید مرتین مثل بول بالغ، آن احتیاط چون مطابق احتیاط در شرع می شود اشکالی ندارد و الا از لحاظ

ادله فرق بین رضیع و لبن رضیع و بول رضیع موضوعاً و حکماً وجود ندارد.

سوال: احتیاط در شرع به چه معناست؟

جواب: احتیاط در شرع و احتیاط در مسئله. یک بار احتیاط در مسئله است که می‌گوییم ادله این مسئله رعایت شده است. یک بار احتیاط در شرع است که آن احکام شرعی به طور قطعی انجام شده. این احتیاط در مسئله برمی‌گردد به احتیاط در مسئله یعنی بول جاریه را که غسل مرتین داشته باشید، احتیاط در شرع هم است.

شرط اسلام مرضعه

شرط سوم این بود که شیر از والده مسلمه باشد، اسلام شرط است. اگر والده کافره باشد این حکمی که درباره بول رضیع آمده است، در آنجا وجود ندارد. اختصاص دارد این حکم به بول رضیعی که از مادر مسلمان به دنیا بیاید. اگر مادر کافر باشد، حکم برمی‌گردد به حکم بول بالغ. در این رابطه صاحب جواهر قدس الله نفسه الزکیه کتاب جواهر می‌فرماید: اشتراط اسلام برای مرضعه مادری که شیر می‌دهد دلیلی از لحاظ نصوص در اختیار نیست. اما اقوی عدم الحاق است یعنی مادر کافره ملحق به مادر مسلمان نیست. «اقتصاراً علی المتیقن»، آنچه که متیقن است این است که مادر مسلمان باشد و اگر مادر کافر باشد غیر متیقن است و از آنجا که این حکم بول رضیع بر خلاف قاعده است [8]. دو جا گفتیم که حمل می‌شود بر قدر متیقن: در ادله لبیه و در جایی که حکم خلاف قاعده باشد. چون حکم خلاف قاعده است، قاعده همان غسل مرتین است. منظور از قواعدی که می‌گوییم در این اصطلاح فقهی، اطلاقات و عمومات که در اصطلاح استدلالی به آن قاعده می‌گوییم، جایی که خلاف قاعده باشد به قدر متیقن اکتفاء می‌شود که از والده مسلمه باشد. این بیان صاحب جواهر بود با توضیحاتی که داده شد. بعد می‌فرماید: استناد شده است به فحواي خبر سکونی که گفته شد که لبن جاریه که از مثانه خارج می‌شود نجس است به جهت نجاستش استثناء نشده، یعنی تحت عموم حکم بول قرار می‌گیرد یعنی غسل مرتین. و فحوايش هم این است که آنجا نجاست آن تاثیر را گذاشت و از استثناء ممانعت کرد، اینجا نجاست قطعی است، از مادر کافر است. اما خبر سکونی که چندین اشکالات داشت، با آن همه اشکالات جایی برای استناد و فحوا وجود ندارد. خبر سکونی سند معتبر و موثق بود اما متن را یک راه حل را پیدا کردیم که گفتیم تقیه ای است که این مضمون صریحاً در فتاوی‌ای مذاهب اربعه نیامده است مثلاً کتاب بدایه المجتهد ابن رشد قرطبی می‌گوید: «اتفق العلماء علی نجاسه بول ابن آدم و رجیعه»، اگر بچه ای شیر بخورد و شیر از دهان طفل برگردد نجس است. یا مثلاً چیزی خورده باشید و مقداری برگشت این برگشتن آن نجس است. «الا بول الصبی» [9] که بول صبی اصلاً نجس نیست.

فرق مبنای شیعه با مبنای عامه

گفتم که از این قبیل فتاوا دارد. آن متنی که گفته بود علی التقیه دیدم که محدث حر عاملی گفته است که او قطعاً دیده که بعضی از فقهاء اهل سنت گفته است که فرق است بین جاریه و غلام. که از این قبیل فتاوا هست. مثلاً فتاوی‌ای عجیبه ای که خلاف علم یا مضحک یا

موهوم باشد فتواست و هیچ مشکلی ندارد. یک فرقی که بین مسلک ما و مسلک ابناء عامه وجود دارد فرق اصلی این است که ما در فتاویمان نصوص مان خلاف علم قطعی نداریم. شیخ طوسی یکی از شرائط صحت روایت می گوید که مخالف با علم و ضرورت نباشد. مضمون مخالف با ضروریات و علم نباشد که در کتاب عده هم می گوید. اما ابناء عامه نصوصی که خلاف علم و ضرورت هم هیچ مشکلی ندارد. رجیع نجس است، بول صبی اطلاقاً پاک است. و شبیه آن مثلاً از مبطلات نماز سه چیز است: 1. مرور حمار از جلوی مصلی، 2. مرور مرأه، 3. مرور کلب اسود، کتاب مغنی ابن قدامه که کتاب معتبر ابناء عامه است می گوید: روی معاذ و مجاهد، ما مثلاً می گوئیم زراره و محمد بن مسلم، «روی الکلب الاسود البهیم شیطان و هو یقطع الصلاه» [10]، شیطان صلاه نماز آدم را قطع می کند، از جلوی انسان که رد بشود نماز را باطل می کند. و عن احمد فی احد قولیه المرأه و الحمار و لکن این قول احمد که می گوید معارض دارد و الاتفاق در این حد هست که کلب اسود مبطل است. این شاهی است براینکه مبنای ما با مبنای ابناء عامه این فرق را دارد. ما شیخ طائفه گفته است که از مبانی صحت روایت این است خلاف ضرورت و فقه نباشد اما در ابناء عامه فرق نمی کند.

جمع بندی

در جمع بندی همانطور که صاحب جواهر فرمود که دلیل ما بر اشتراط مسلمان بودن برای ارتضاع اخذ به قدر متیقن است، تحقیق هم این است که این نصوصی که درباره بول رضیع آمده است بلا اشکال انصراف دارد به رضیعی که ارتضاعش از مادر مسلمان باشد. انصرافش قابل انکار نیست. نکته دوم اینکه علی الاقل شک می کنیم، چون نجاست کفار که ثابت است، شک در تطهیر که بکنیم مساوی با عدم تطهیر است و ثانیاً شک در شمول اگر بکنیم می شود شبهه مصداقیه. در نتیجه اشتراط مسلمان بودن درست است همانطوری که در متن آمده است هرچند سیدنا الاستاد می فرماید که این اشتراط دلیل روایی ندارد و حکم علی الاحتیاط است. ولی تحقیق این است که دلیلش هم دلیل درستی است همان که صاحب جواهر فرمود که اخذ به قدر متیقن و توجه به انصراف، و پس از آن اعلام می شود که حکم بول صبی مشروط به سه تا شرط: عدم تغذیه و ذکوریت علی الاحوط و مسلمان بودن مادر علی الاقوی. مسئله شانزدهم کامل شد.

[1] وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج 2، ص 1002، ابوابنجاسات، ب 3، ح 1، ط اسلامیه.

[2] وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج 2، ص 1003، ابوابنجاسات، ب 3، ح 2، ط اسلامیه.

[3] فقه الرضا، ص 95.

[4] نحل/سوره 16، آیه 66.

[5] تذکره الفقهاء، علامه حلی، ج 1، ص 52.

[6] مستمسک العروه الوثقی، سید محسن حکیم، ج 2، ص 46.

[7] التتقیحفی شرحالعروه الوثقی، سید ابوالقاسم خویی، ج 4، ص 72.

[8] جواهر الكلام، شيخ محمد حسن نجفی، ج 6، ص 167.

[9] بدایه المجتهد، ابن رشد قرطبی، ج 1، ص 227.

[10] المغنی، ابن قدامه، ج 2، ص 249.